

راه‌ناهموار تمدن!

کاوشی در نسبت میان الهیات اجتماعی، الهیات تمدنی و الهیات عملی



سید جواد نقوی

دبیر پرونده

الهیات سیاسی، الهیات اجتماعی، الهیات عملی و الهیات تمدنی همه حاصل تلاش‌های الهی دانانی هستند که کوشیده‌اند پاسخی نو برای مسائل جدیدشان داشته باشند. در این گفت‌وگو با حجت الاسلام حبیب‌الله بابایی عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی کوشیده‌ایم به تعریفی روشن از الهیات اجتماعی و نسبت آن با فرهنگ و تمدن برسیم. بابایی معتقد است الهیات تمدنی همچون الهیات عملی، هم در مقام تفسیر و هم در مقام توصیه و دخالت در تحولات و تغییرات تمدن، ناگزیر است خود را در موضع گفت‌وگو با دیگر رشته‌ها و حوزه‌های علمی، اعم از رشته‌های دیگر الهیاتی و علوم تجربی و انسانی، قرار دهد. آیا این بازاندیشی‌ها راه‌ناهموار تمدن را هموار خواهد کرد؟

معنای الهیات اجتماعی و هدف آن چیست؟

الهیات در اصطلاح جدید معنای عام‌تری نسبت به اصطلاح قدیم الهیات دارد و بیشتر در غرب مسیحی رواج یافته است و در دنیای اسلام نیز از سوی برخی محققان مورد توجه قرار گرفته است. الهیات، در این اصطلاح جدید، مطالعه‌ای است عقلی (نه ضرورتاً برهانی) و سیستماتیک در مورد دین یا موضوعات دینی. الهیات بدین معنا می‌تواند یک مرحله پیشینی و یک مرحله پسینی داشته باشد. الهیات، پیش از نزول وحی و یا قبل از آگاهی از وحی شکل ساده‌ای دارد (الهیات پیشینی) و آنگاه بعد از توجه و آگاهی از وحی صورت پیشرفته‌ای به خود می‌گیرد. الهیات پیش از متن در مورد هستی و انسان و رابطه

در این نگاه، تفاوت ظریفی میان «کلام اجتماعی» با «الهیات اجتماعی» و «الهیات تمدنی» وجود دارد که نباید آن را از نظر دور داشت. برخی از محققان امروزه سخن از «الهیات اجتماعی» می‌گویند که البته متفاوت از الهیات در اصطلاح قدماست. لیکن به نظر می‌رسد که محتوای چنین تعریفی به کلام اجتماعی نزدیک‌تر است و با معنای مورد نظر از «الهیات تمدنی» در این گفتار تفاوت دارد. برای نمونه، برخی در تعریف «الهیات اجتماعی» گفته‌اند:

«الهیات اجتماعی» به آن بخش از دانش الهیات اطلاق می‌شود که به حیات اجتماعی انسان و عوارض و لوازم و تبعات آن حیات همچون حکومت، دولت، اقتصاد، دادوستد، تعلیم و تربیت، قضاوت و فصل خصومت،

آن دو با خدا سخن می‌گوید و آنگاه بر اساس یافته‌های عقلانی فهم‌وحی و متن مقدس را بر خود آسان می‌کند. سپس، بعد از نزول وحی و یا بعد از آگاهی از وحی و با استفاده از آموزه‌های وحیانی، نه تنها گستره موضوعات الهیاتی را بسط می‌دهد، بلکه تحلیل‌های عقلانی از مقولات الهیاتی پیش از نزول وحی را نیز تعمیق می‌بخشد. بر پایه این معنا از الهیات، هر نوع تحلیلی از موضوعات دینی که عقلانی و البته مبتنی بر آموزه‌های وحیانی باشد می‌تواند ذیل عنوان الهیات قرار بگیرد. و از آنجا که الهیات درباره موضوعات اجتماعی تحلیل‌های عقلانی و البته منطبق با آموزه‌های دینی ارائه می‌کند، می‌توان اسم آن را الهیات اجتماعی و یا (آنجا که این تحلیل‌های عقلانی در مورد تمدن‌ها صورت می‌گیرد) الهیات تمدنی نام نهاد.